

کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی «بداء»

غلامرضا نقی جلال‌آبادی

بداء در لغت عرب به معنی ظهور است^۱ و بعضاً به معنی حدوث رأی هم آمده است،^۲ ولی در اصطلاح علم کلام بداء یکی از آموزه‌های مهم ادیان الهی است؛ چرا که این واژه در لسان دین در ارتباط با خداوند متعال استعمال شده است. اگرچه این واژه در هیچ آیه‌ای از قرآن کریم صراحتاً به خداوند نسبت داده نشده است؛ اما در روایت امام رضا (علیه السلام) خطاب به سلیمان مروزی آمده است: چگونه بداء را انکار می‌کنی و حال آنکه خداوند می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ»^۳ و «بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۴. در این روایت بسیار طولانی که در توحید آمده است امام علیه السلام به آیات دیگری هم استناد کرده‌اند.^۵ علاوه بر آن در کتب روایی شیعه استعمال آن در ارتباط با خداوند بسیار یافت می‌شود، برای آگاهی لازم است به کتاب اصول کافی مرحوم کلینی و توحید مرحوم صدوق و ارشاد شیخ مفید مراجعه شود.

اهمیت مسئله بداء و آثار اعتقاد به آن با توجه به معنای آن در لسان روایات معصومین (علیهم السلام) روشن و واضح است و جای هیچ‌گونه شک و تردیدی در جایگاه ویژه آن در استوار ساختن نظام حیات جامعه بشری برای احدی وجود ندارد.

در یک جمله باید گفت:

بداء در حقیقت نشان‌دهنده حیات، اقتدار، سلطنت و نظارت تام و کامل خداوند متعال بر اعمال بندگان است و نفی بداء به معنی اعتقاد به خدایی است که - العیاذ بالله - دست بسته، از کار افتاده و بی‌اراده است.

با توجه به اهمیت این بحث در سال‌های گذشته در بخش میراث موضوعی - بخش کلام و فلسفه - بحث بداء در دستور کار قرار گرفت و نتیجه آن تحقیق و تصحیح تعداد ۳۹ رساله و گفتار درباره بداء است. در این مجیزه گزارش‌گونه‌ای از نسخه‌های خطی و کتاب‌شناسی آنها در دو بخش ارائه می‌شود.

گفتنی است که آثار و دست‌نوشته‌های بداء بیش از اینها است. برای نمونه به مقاله آموزه‌های بداء و

چکیده:
نویسنده در نوشتار حاضر، گزارشی از نسخه‌های خطی و کتاب‌شناسی در مسئله بداء را در دو بخش ارائه می‌کند. در بخش نخست، ۳۹ رساله و گفتار منتخب از قدما و پیشینیان، همچون شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ مفید و آیت‌الله خویی و ملکی میانجی معرفی نموده است. در بخش دوم، به توصیف کتب و رسایلی که مستقلاً یا غیرمستقل به مسئله بداء پرداخته‌اند و در مجموعه رسائل بدائیه نیامده‌اند، اقدام کرده است.

کلیدواژه:

کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، بداء.

۱. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۶۵.

۲. صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۲۷۸.

۳. روم ۳۰: ۲۷.

۴. بقره ۲: ۱۱۷.

۵. توحید صدوق، ص ۴۴۳.

۴. مسأله البداء، أبو عبدالله محمد بن محمد النعمان الحارثی، معروف به شیخ مفید (۴۱۳ق) مسائل العکبریّة، قم، کنگره هزاره مفید (۱۴۱۳ق). ضمن مصتفات مفید، ج ۶.

این رساله مجموعه سؤالات کلامی و اعتقادی حاجب بن ابي لیث بن سراج از شیخ مفید است. یکی از سؤالات درباره بداء است.^۹

۵. القول في البداء والمشیّة، الشيخ المفید (۴۱۳ق) أوائل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، قم کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (۱۴۱۳ق).

در این مقاله معنای بداء را با نسخ یکی دانسته و زیاده رزق و روزی و کاهش آن را و برخی اعمال دیگر را به وسیله عمل از گونه بداء دانسته‌اند.

بر همین اصل اعتقاد به بداء را شرعی و البته مخالف ظاهر عقل - همانند پاره‌ای دیگر از صفات باری تعالی - می‌داند، پس با تفسیر دقیق بداء نزاع بین شیعه و سنی را لفظی می‌داند.

۶. القول في الرجعة والبداء، رساله دوم بداء، از أوائل المقالات، شیخ مفید.

این رساله کوتاه تحت عنوان القول في الرجعة والبداء و تألیف القرآن است. وی در این رساله مختصراً به اعتقاد شیعه بوجوب رجعت و اطلاق لفظ بداء در وصف خداوند تعالی اشاره می‌کند.^{۱۰}

۷. جوابات المسائل الرازیة، السید المرتضی علم الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ق) تحقیق سید مهدی رجایی، قم، دار القرآن الکریم (۱۴۰۵ق).

سید در مسئله پنجم به طور مبسوط به طرح مسئله بداء پرداخته و در حقیقت دیدگاه وی تفسیری است، نه تأویلی. بداء را به معنی ظهور می‌داند و در واقع به نظرایشان بداء همان معنی حقیقی نسخ را دارد.^{۱۱}

۸. مسأله البداء، الشيخ أبو الفتح محمد بن علي عثمان معروف به «الکراچکی» (۳۷۴ - ۴۴۹ق)، کنز الفوائد، تحقیق علامه شیخ عبدالله نعمة، مطبوعه امیر، قم (۱۴۱۰ق). کتاب کنز الفوائد مجموعه‌ای است از مسائل علمی، فلسفی و کلامی و ادبی. مسئله بداء از جمله مسائل مهم کلامی این کتاب است. وی در این بحث به مناقشه بین شیعه و سنی و بین متکلمین شیعه و معتزله پرداخته‌اند و ضمن نقل نظریه حقه در بداء به سرگذشت مناظره خویش با یکی از معتزلیان مصر در مسئله بداء اشاره می‌کند.^{۱۲}

۹. رساله حقیقة البداء، أبو جعفر محمد بن الحسن معروف به «شیخ

کتاب‌شناسی آن که توسط جناب حجة الاسلام زادهوش تألیف گردیده و در مجله کتاب ماه دین، سال ششم، شماره ۶۸ و ۶۹ به چاپ رسیده است مراجعه فرمایید. برای تتمیم و تکمیل این مهم نوشته حاضر تقدیم می‌شود.

بیشترین همت در مجموعه حاضر بر این بوده که سیر تاریخی طرح مسئله بداء و اهمیت آن برای اندیشمندان و پژوهشگران روشن شود. بر این اساس در بخش اول آثاری از قدما و پیشینیان، همچون شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ مفید (رحمهم الله) و متأخر متأخرین و معاصر معاصرین همچون مرحوم آیت الله خویی و ملکی میانجی (رحمهما الله) آورده و با همان ترتیب معرفی گردیده‌اند.

بخش نخست

در این بخش تعداد ۳۹ رساله و گفتار منتخب معرفی شده است:

۱. أحادیث البداء، ثقة الإسلام أبو جعفر محمد بن يعقوب بن الكليني (۳۲۹ق) کافی، ج ۱، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر دار الکتب الإسلامی (۱۴۰۷ق).

ثقة الاسلام کلینی ۱۶ روایت از ائمه بزرگوار حضرات صادقین و امام کاظم و امام رضا علیهم السلام درباره اهمیت بداء و معنی بداء و معنی محو و اثبات و معنی أجل و اقسام أجل آورده‌اند.^۶

۲. أحادیث البداء، الشيخ الصدوق (۳۸۱ق) التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی تهرانی، قم دفتر انتشارات اسلامی - جامعه مدرسین - (۱۳۹۸ق).

شیخ صدوق در این کتاب ۱۱ حدیث از ائمه درباره بداء نقل کرده‌اند و در پایان حدیث نهم نظر خویش را درباره بداء بیان فرموده‌اند. ایشان بداء را همانند نسخ شرایع قبلی و همانند تحویل قبله و حکم عده متوفی می‌دانند و می‌فرمایند: بداء یعنی ابتدا به خلقت يك شیء پس از شیء دیگر.^۷

۳. باب الاعتقاد في البداء، الشيخ الصدوق (۳۸۱ق) الاعتقادات، تحقیق حسین درگاهی، قم، کنگره هزاره مفید (۱۴۱۳ق) ضمن مصنفات شیخ مفید، ج ۵.

باب دهم کتاب درباره موضوع بداء است. وی معنی بداء را از نظر لغوی و اصطلاحی بیان نموده و اشاره‌ای هم به نظریه‌ها در بحث بداء نموده و می‌فرماید:

به نظر شیعه امامیه خداوند کلّ یوم هوفی شأن، خداوند هر روز می‌میراند، زنده می‌کند، محو و اثبات می‌کند.^۸

۶. أصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۶ - ۱۴۹، ح ۱۶ - ۱۷.

۷. توحید، ص ۳۳۱ - ۳۳۶.

۸. الاعتقادات، ضمن مصنفات مفید، ج ۵، ص ۴۰ - ۴۱.

۹. مسائل العکبریّة، ضمن مصنفات مفید، ج ۶، ص ۹۹ - ۱۰۰ و الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۵۸.

۱۰. أوائل المقالات، ضمن مصنفات مفید، ج ۴، ص ۴۶ و ۸۰.

۱۱. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۱۶ - ۱۱۹.

۱۲. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۲۲۷ - ۲۳۱.

۱۴. حاشیه بر اصول کافی، محمد امین استرآبادی (۱۰۳۶ق) تحقیق علی فاضلی، دار الحدیث (۱۴۳۰ق). این رساله شرحی است بر تعدادی از روایات بداء اصول کافی، وی بعد از نقل متن روایات نظر خویش را بیان کرده‌اند. ایشان قائل هستند که قول به بداء نه تنها از ضروریات مذهب امامیه، بلکه از ضروریات اسلام است و آن‌گاه فرق بین بداء و نسخ را به خوبی شرح داده و انکار علماء عامه را در این زمینه مردود دانسته‌اند.^{۱۹}

البته نسخه اول (شماره ۱۳) شروح مرحوم امین استرآبادی و دیگران را بر اصول کافی یکجا جمع‌آوری کرده و خلط نموده است، ولی نسخه دیگر که توسط جناب آقای فاضلی تحقیق و چاپ شده است فقط شرح استرآبادی است.

۱۵. نبراس الضیاء و تسواء السواء فی شرح باب البداء...، میرمحمد باقر معروف به «میرداماد» (۹۶۹ - ۱۰۴۰ق) با شرح و حواشی ملاعلی نوری و تحقیق حامد ناجی اصفهانی، انتشارات، هجرت قم (۱۳۷۳ش).

مرحوم میرداماد قائل است که اعتقاد به مسئله بداء اگرچه مختص به شیعه امامیه است، ولی در منابع روایی اهل سنت نیز به بداء اشاره شده است.

وی در این رساله بعد از بیان فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) مسئله بداء را از سه نظر بررسی کرده‌اند: ۱. احادیث وارده در مورد بداء ۲. بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه بداء ۳. طرح مسئله بداء و هماهنگی مفهوم آن با مسئله نسخ.^{۲۰}

۱۶. شرح اصول کافی، صدرالدین محمد بن ابراهیم بن یحیی الشیرازی، مشهور به «ملاصدرا» و «صدر المتألهین» (۹۸۰ - ۱۰۵۰ق) تحقیق محمد خواجه‌جویی و تعلیقات و حواشی مولی علی نوری، مؤسسه دار الحدیث (۱۳۷۰ش) قم.

این رساله شرح ۱۶ حدیث از کتاب التوحید اصول کافی است. لفظ و معنی لغوی بداء را به خوبی بیان کرده و آن‌گاه به کنایه‌های دشمنان ائمه و مخالفین بداء پرداخته و در نهایت با بیان روایات بداء مضامین عرفانی و نکات حکیمانه آن را بیان می‌کنند.^{۲۱}

۱۷. شرح اصول کافی، مولی محمد صالح السروی، المازندرانی، (۱۰۸۶ق) چاپ دار احیاء التراث العربی، بیروت، (۱۴۲۹ق).

این کتاب شرحی است مزجی بر روایات اصول کافی و به فرموده

طوسی «(۳۸۵ - ۴۶۰ق) عُدَّةُ الْأُصُول، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، مؤسسه بعثت، قم (۱۴۱۷ق).

شیخ طوسی بداء را به معنی ظهور گرفته و لفظ ظهور را به علم یا ظن پس از جهل و گمان گرفته‌اند و فرموده‌اند: اگر این لفظ را به خداوند انتساب دهیم به وجهی قابل اضافه به خداوند است و به وجهی غیر قابل اضافه. اگر به معنی نسخ باشد از باب توسع قابل حمل بر خداوند است، پس در موضعی که بداء به خداوند نسبت داده شده - همانند نسخ - به معنی ظهور برای مکلفین است و درباره خداوند به معنی علم پس از جهل نیست.^{۲۲}

۱۰. تفسیر آیه «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ»، الشیخ رشید الدین بن ابوعبدالله محمد بن علی معروف به «ابن شهر آشوب» (۴۸۹ - ۵۸۸ق) متشابه القرآن، مطبعه شرکت چاپ کتاب، تهران، (۱۳۲۸ش).

وی ضمن تفسیر آیه شریفه «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ»^{۲۳} به دیگر آیات متشابه در قرآن مجید اشاره و به مناسبت مسئله محو و اثبات، مسئله بداء نسبت به حق تعالی را نیز بیان کرده‌اند.^{۲۴}

۱۱. البداء، جعفر بن الحسن بن یحیی بن حسن بن سعید الهذلی الحلّی معروف به «محقق حلّی» (۶۰۲ - ۶۷۶ق) المسلك فی أصول الدین، تحقیق آیه الله رضا استادی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی (۱۴۲۱ق).

ایشان در بحث از نبوت به اختلاف بین قائلین به نسخ و مانعین نسخ در شرایع پرداخته و به مناسبت به مسئله بداء هم اشاره کوتاهی کرده‌اند.^{۲۵}

۱۲. مسألة النسخ والبداء، الإمام جمال الدین أبو منصور الحسن بن یوسف، معروف به «علامه حلّی» (۶۴۸ - ۷۲۶ق) نهج الحق و كشف الصدق با مقدمه سیدرضا صدر، دار الهجرة، قم، سال (۱۴۲۱ق).

علامه حلّی (رحمه الله) در این کتاب به مسئله نسخ و بداء پرداخته و ضمن معنی کردن این دو واژه مهم به اعتقاد شیعه امامیه و پیروان آنها از معتزله پرداخته و آن‌گاه عقیده اشاعره را بنا بر اصل فاسد آنها، یعنی نفی حسن و قبح عقلی مطرح و رد کرده‌اند.^{۲۶}

۱۳. حاشیه بر اصول کافی، ملا محمد امین بن محمد شریف، معروف به «امین استرآبادی» (۱۰۳۶ق). نسخه خطی، آستان قدس رضوی، ۱۶ ورق به شماره ۶۵۴۳.^{۲۷}

۱۳. عُدَّةُ الْأُصُول، ج ۲، ص ۴۹۵ - ۴۹۷.

۱۴. رعد ۱۳: ۳۹.

۱۵. متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، ص ۹۴.

۱۶. المسلك فی أصول الدین، ص ۱۶۸ - ۱۷۱.

۱۷. نهج الحق و كشف الصدق، ص ۴۰۰ - ۴۰۲.

۱۸. فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران - دنا - ج ۲، ص ۴۳۸.

۱۹. حاشیه الکافی.

۲۰. نبراس الضیاء و تسواء السواء فی شرح باب البداء، میرداماد: تحقیق ناجی اصفهانی؛ ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش، تعداد صفحات ۱۵۲.

۲۱. شرح اصول کافی، ملاصدرا، ج ۴، ص ۱۷۷ - ۲۱۸.

صاحب روضات الجنات، از بهترین شروح کافی است.^{۲۲}

احادیث بداء را نیز بیان کرده و عقاید و نظریه خویش را ذیل هر حدیثی با عبارت «بیان» آورده‌اند.^{۲۳}

۱۸. الوافی، محمد محسن مشهور به «فیض کاشانی» (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ق) مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام اصفهان (۱۴۳۰ق).

کتاب وافی مجموعه‌ای از احادیث کتب اربعه شیعه به همراه شرح بعضی از احادیث است که در جلد اول بعد از نقل احادیث بداء از اصول کافی تحت عنوان بیان نظر خویش را در مورد بداء بیان نموده‌اند.^{۲۴}

۱۹. علم الیقین، محمد محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ق)، قم، نشر بیدار (۱۳۵۸ش).

وی قائل است که قوای منطبع در نفس فلکی قادر به درج تمام وقایع به تفصیل نیستند، پس وقوع حوادث در آن به تدریج است. ممکن گاهی با ایجاد شرطی یا زوال آن به جهت عدم گنجایش نفس فلکی یا کوتاه بینی ناظر وقوع حادثه مفروض در نفس فلکی تغییر یابد، این تغییر همان حقیقت بداء است و به دلیل اینکه نفس فلکی از مراتب علم الهی است استناد بداء به خداوند جایز است.^{۲۵}

۲۰. منهاج العارفین یا منهج النجاة، محمد طاهرین محمد حسین شیرازی (۱۰۹۸ق). نسخه خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، اشکوری، شماره ۱۰۴۳.

این کتاب شرحی است بر رباعیات خود مؤلف (رحمه الله). غالب این رباعیات درباره معارف الهی و اصول اعتقادی مذهب امامیه است. در باب هفتم کتاب یک رباعی درباره مسئله اعتقاد به بداء دارند به همراه شرح آن.

از این رساله تعداد ۷ نسخه در فهرستواره دنا یاد شده است.^{۲۶}

۲۱. رساله البداء، محمد بن حسن شیروانی (۱۰۳۳ - ۱۰۹۸ق)، نسخه خطی مرکز احیاء، اشکوری، ج ۶، ص ۶۳، شماره ۲۰۴۴/۸ و مدرسه فیضیه شماره ۱۲ و ۱۶۶۵ و کتابخانه حکیم نجف اشرف، شماره ۵۳۴/۱۹.

از این رساله تعداد ۱۹ نسخه خطی در فهرستواره دنا یاد شده است.^{۲۷}

۲۲. دز المنثور، شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین العاملی، سبط شهید ثانی (۱۰۱۴ - ۱۰۹۸ق) نشر پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی قم (۱۴۳۳ق).

در این کتاب تعدادی از اخبار و احادیث مجمل و مشکل را شرح داده و به مناسبت احادیث بداء را از توحید صدوق نقل کرده و به همراه نقل قول و نظر صدوق معانی لغوی و اصطلاحی بداء را نیز بیان کرده‌اند.^{۲۸}

۲۳. مرآة العقول، المولی محمد باقر بن مولی محمد تقی مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ق) دار الکتب الاسلامیه، تهران (۱۴۰۴ق).

۲۲. روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۲۳. شرح اصول کافی، ملا صالح مازندرانی، ج ۴، ص ۲۳۶ - ۲۶۲.

۲۴. الوافی، ج ۱، ص ۵۰۷ - ۵۱۵.

۲۵. علم الیقین، ج ۱، ص ۲۳۹ - ۲۵۱.

۲۶. فهرستواره دستنوشته‌های ایران - دنا -، ج ۱۰، ص ۳۰۶.

۲۷. فهرستواره دنا، ج ۲، ص ۴۳۸ - ۴۳۹.

۲۸. دز المنثور من المأثور و غیر المأثور، ج ۲، ص ۶۵۹.

این کتاب شرحی است بر همه ابواب کتاب اصول و فروع کافی. وی ابتدا معنی لغوی بداء را با استفاده از کتب لغت بیان کرده و آن‌گاه به نقل اقوال متکلمین شیعه، همچون خواجه نصیرالدین طوسی و میرداماد پرداخته و در نهایت با ایراد بعضی اشکالات نظر خویش را بیان می‌کند.^{۲۹}

۲۴. رساله البداء، المولی محمد خلیل بن اشرف القائینی الاصفهانی نزیل قزوین (۱۱۳۶ق) نسخه خطی، کتابخانه آیت الله گلپایگانی، شماره ۱۲۷۳۵؛ کتابخانه سریزدی، شماره ۴۲/۹؛ کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۵۵۶.

وی عقیده دارد بدائی که واجب است به آن معتقد باشیم، به معنی لغوی ظهور رأی جدید نیست، بلکه منظور از آن ظهور بخشی از چیزی است که قبلاً ظاهر نبوده و برای این معنی به روایات استدلال کرده‌اند.^{۳۰}

۲۵. رساله بداء، سید محمد حسین خاتون آبادی (۱۰۸۶ - ۱۱۵۱ق).

نسخ خطی، کتابخانه مسجد اعظم قم، شماره ۵۶۹.

ایشان این رساله را در نقد رساله‌ای که در مسئله بداء ایجاد شبهه کرده بود نوشته‌اند. ابتدا معنی بداء را تحقیق و توضیح می‌دهند و آن‌گاه شبهه وارد را.^{۳۱}

۲۶. التحفة، مولى نظر علی بن محسن گیلانی (ح ۱۲۱۷ق)، تحقیق سید جلال‌الدین آشتیانی، نشر انجمن فلسفه (۱۳۹۷ق).

وی در تحفه هفتم کتاب به تصریح ائمه شیعه به ثبوت بداء پرداخته و سپس معنی لغوی بداء را بیان کرده و به مناسبت درباره محو و اثبات نیز بحث کرده‌اند. ایشان بداء در افعال را نوعی مشیت حادثه، نه ذاتی می‌دانند.^{۳۲}

۲۷. جوامع الکلم، شیخ احمد بن زین‌الدین بن ابراهیم، معروف به «احسائی» (۱۱۶۶ - ۱۲۴۱ق) چاپخانه غدیر، بصره (۱۴۳۰ق).

در جلد ۸ این کتاب سؤالاتی از جانب شیخ احمد بن شیخ صالح قطیفی به شیخ احمد احسائی رسیده است. یکی از سؤالات درباره حقیقت بداء است و اینکه بداء در چه اموری جاری است؟ آیا بداء همان نسخ است؟ چگونه ابراهیم (علیه السلام) مأمور به ذبح اسماعیل شد و آیا این امر واقع شد؟ شیخ با استناد به احادیث اهل بیت علیهم السلام همه سؤالات را جواب می‌دهند.^{۳۳}

۲۸. منبع التحقیق و ینوع رحیق التدقیق، شیخ علی بن قربان ایروانی مشهور به «حاج ملاباشی» (ق ۱۳ - ۱۲۷۳ق).

نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، شماره ۲۵۸۸، ج ۷، ص ۱۷۷.

وی اقوال ملاصدرا و فیض کاشانی را در مسئله بداء نقل کرده و آن‌گاه به تحقیق بداء پرداخته و اعتراضات و ایرادات بر آن را نیز مطرح می‌کنند و سپس حقیقت بداء و ارتباط آن با عقول و نفوس را بیان و به مناسبت درباره محو و اثبات و اقسام اجل و مفهوم آن لغتاً و اصطلاحاً بحث کرده‌اند.^{۳۴}

۲۹. مرآة العقول، ج ۲، ص ۱۲۳ - ۱۴۹.

۳۰. الذریعة، ج ۳، ص ۵۴ - ۵۵ و طبقات اعلام الشیعة، ج ۹، ص ۲۴۴.

۳۱. نسخه خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، شماره ۵۶۹.

۳۲. رساله تحفه، ملا نظر علی گیلانی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران ۱۳۵۷ش، فهرست إلهیات مشهد، ج ۲، ص ۵۹۶، شماره ۲۱۷۲۸.

۳۳. جوامع الکلم، شیخ احمد احسائی، چاپخانه غدیر بصره ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۶۹۲ - ۶۹۵.

۳۴. نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۷، ص ۱۷۷، شماره ۲۵۸۸.

یکی از مباحثی که در ضمن بحث قضا و قدر مطرح است مسئله بداء است. ایشان اختلافات بین شیعه و سنی در مسئله بداء را مطرح کرده و سپس معنی بداء را لغتاً بیان نموده و معتقدند که بداء یک حق خصوصی برای ذات باری تعالی و نتیجه حریت اراده و اختیار و مشیت خداوند است.^{۳۹}

۳۴. أجوبه موسی جارالله، السید عبدالحسین شرف‌الدین (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ق)، موسوعه سید شرف‌الدین (۱۴۲۷ق) نشر پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی.

سومین سؤالی که از طرف موسی جارالله به سید شرف‌الدین رسیده سؤال از بداء است. او تصور می‌کند که اعتقاد به بداء مخصوص نواصب شیعه است. سید ضمن ردّ این بهتان می‌فرماید: شیعه قائل است که خداوند گاهی رزق انسان‌ها را کم می‌کند، گاهی زیاد. گاهی صحت می‌دهد، گاهی مرض. گاهی سعادت و گاهی شقاوت. این دیدگاه عین دیدگاه خلفا و صحابه است. این معنی بدائی است که شیعه می‌گوید، پس نزاع ما و آنها لفظی است.^{۴۰}

۳۵. مقاله بداء، الشیخ سیف‌الله الإیسی بن عباس (۱۳۱۷ - ۱۳۸۲ق) سال تحریر (۱۳۵۴ق) نسخ خطی کتابخانه آستان قدس، شماره ۶۷۲۱.

ایشان بعد از مقدمه روایات بداء را به نقل از کافی و توحید صدوق آورده و سپس آرای خواجه نصیرالدین طوسی و صاحب ملل و نحل را نیز نقل کرده و در نهایت اقوالی از میرداماد و صدر المتألهین نقل کرد و نظریه آنها را در بداء می‌پذیرند.^{۴۱}

۳۶. اجابة الدعاء في مسألة الدعاء، سید محمد کاظم ابن سید محمد عصار تهرانی (۱۳۰۲ - ۱۳۹۲ق) مجموعه آثار عصار، تحقیق سید جلال‌الدین آشتیانی، انتشارات امیرکبیر (۱۳۷۶ش).^{۴۲}

۳۷. ترجمه رساله بداء عصار. این رساله نقدی است بر رساله بداء مرحوم آقازاده خراسانی. وی بعد از نقل عبارات آقازاده و نقد و ایراد به آن، نظریه محقق داماد که فرموده: بداء در تکوینیات مثل نسخ در تشریعیات است را رد می‌کند و معتقد است بداء عبارت است از صرف و عطف نمودن چیزی به طرف مقصد غیر مترقب و بداء در جزئیات و فروع و محدثات است، نه در کلیات و اصول و مبدعات.^{۴۳}

۳۸. البیان في تفسير القرآن، سید ابوالقاسم بن سید علی اکبر الموسوی

۳۹. الدین و الاسلام، کاشف الغطاء، ص ۴۰۱ - ۴۱۴، نشر مجمع جهانی اهل‌البيت عليهم السلام ۱۴۲۹ق.

۴۰. موسوعه الإمام سید حسین شرف‌الدین، ج ۴، ص ۱۶۷۹.

۴۱. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۱.

۴۲. مجموعه آثار عصار، ص ۱۰۷ - ۱۳۹.

۴۳. رساله فارسی عصار، مجموعه آثار عصار، ص ۳۷ - ۱۰۰.

۲۹. رساله البداء، میرزا محمد باقر بن محمد سلیم اسکونی (۱۲۳۱ - ۱۳۰۱ق) نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ۱/۱۲۸۲۴. وی این رساله را در جواب آخوند ملاحسین تحریر نموده‌اند. آخوند از ایشان سؤال کرده در عبارت «السلام عليك يا من بدأ الله في شأنه» در زیارت جوادین و عسکرین علیهم السلام، منظور از بداء چیست؟ و چرا این وصف فقط در مورد این بزرگواران آمده، ولی درباره سایر معصومین (علیهم السلام) نیست؟ ایشان در جواب به معانی لغوی بداء و بداء در حق تعالی و بداء در معصومین بحث می‌کنند.^{۳۵}

۳۰. رساله البداء، شیخ محمد جواد بن شیخ حسن معروف به «العلامة البلاغي» (۱۲۸۲ - ۱۳۵۲ق) موسوعه علامه بلاغی، نشر پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی، قم (۱۴۳۱ق).

ایشان رساله بداء را در جواب سائلی از وی درباره بداء تحریر نموده‌اند. به نظر وی محوبه معنی فنا نیست و معانی بداء را نیز بیان کرده و در آخر فرموده‌اند: محو و اثبات غیر از مقام أم الكتاب و علم الله المکنون و مشیت و اراده ازلی است.^{۳۶}

۳۱. رساله البداء، میرزا محمد خراسانی مشهور به «آقازاده خراسانی» (۱۲۹۴ - ۱۳۵۶ق). مجموعه آثار عصار، تهران، تحقیق سید جلال‌الدین آشتیانی، انتشارات امیرکبیر (۱۳۷۶ش).

وی این رساله کوتاه را به درخواست شخصی که نامش مجهول است نگاشته است. ایشان بداء را یک ابدائی مجازی می‌دانند و در واقع بداء را نوعی اظهار الإخفاء دانسته‌اند.^{۳۷}

۳۲. رساله البداء، الشیخ میرزا محمد مهدی اصفهانی (۱۳۰۳ - ۱۳۶۵ق) نسخ خطی کتابخانه قمر بنی هاشم دامغان، ص ۱۳۱، شماره ۲۰۱؛ مرکز احیاء میراث اسلامی، قم، شماره ۱۹۶۷.

ایشان قائل هستند که قول به بداء اثبات همه کمالات است برای باری تعالی و همه شرایع و ادیان بر اساس آن بنا نهاده شده. به عبارتی دیگر بداء یعنی عدم نهایت علم الهی و عدم نهایت مقدرات الهی و این معنی بنا بر عقیده شیعه هیچ‌گاه محال نیست.^{۳۸}

۳۳. الدین و الإسلام، الشیخ محمد حسین بن علی بن محمد رضا کاشف الغطاء (۱۲۹۴ - ۱۳۷۳ق) مجمع جهانی اهل‌البيت عليهم السلام چاپ اول (۱۴۲۹ق).

۳۵. رساله البداء، میرزا محمد باقر بن سلیم اسکونی، فهرست الفبائی کتب خطی آستان قدس رضوی، ص ۸۴ و ج ۱۱، ص ۳۴۹ - ۳۵۰، شماره ۱/۱۲۸۲۴؛ الذریعة، ج ۲۱، ص ۱۲۰، شماره ۴۲۱۹.

۳۶. رساله بداء، علامه بلاغی، ضمن موسوعه بلاغی، ج ۶، ص ۱۷۵ - ۱۸۳.

۳۷. مجموعه آثار عصار، ص ۱۰۱ - ۱۰۴.

۳۸. مرکز احیاء میراث اسلامی - اشکوری، ج ۵، ص ۴۲۴، شماره ۱۹۶۷.

الخوئی (۱۳۱۷ - ۱۴۱۳ق) تحقیق سید محمد علی حکیم، بیروت، أنوار الهدی (۱۴۰۱ق).

وی بداء را همانند نسخ در تکوین دانسته و فرموده‌اند: بداء همان اظهار بعد الاخفاء است.^{۴۴}

۳۹. توحید الإمامية، شیخ محمد باقر ملکی میانجی (۱۳۲۴ - ۱۴۱۹ق) مؤسسه چاپ و نشر وزارت ارشاد، تهران (۱۴۱۵ق).

بحث بداء در فصل ۱۵ کتاب آمده است. وی موضوع بداء را ابتداءً از قرآن گرفته و در خلال آن از اخبار و احادیث معصومین (علیهم السلام) و بعضی نقل‌های تاریخی و اقوال دیگران و لغویین استفاده کرده‌اند.^{۴۵}

بخش دوم

در این بخش سعی شده کتب و رسایلی که مستقلاً یا غیرمستقل به مسئله بداء پرداخته‌اند و در این مجموعه رسائل بدائیه نیامده‌اند معرفی و توصیف شوند.

۱. تفسیر القمّی، علی بن ابراهیم القمی (ق ۳)، بیروت مؤسسة الأعلمی للمطبوعات (۱۴۱۲ق).

وی می‌فرماید: بداء در لغت به معنی ظهور است و گاهی هم به معنی علم پیدا کردن به اشیاء است، بعد از جهل به آن. اگر بداء به خداوند اضافه شد، آن بخشی که الحاق آن بر خداوند جایز است همانند نسخ در احکام است و این خود نوعی توسع است.^{۴۶}

۲. الشافی فی الإمامة، علم الهدی، السید مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۶ق) مؤسسه انتشاراتی صادق، تهران (۱۳۰۱ق).

وی بداء به معنی «ظهور الشیء» را نسبت به خداوند محال دانسته و با استناد به روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) این نوع بداء را از جمله تشنیعات بر شیعه می‌دانند و بعداً می‌فرمایند: بداء در نظر شیعه همانند قول هشام و قول معتزله در نسخ است.^{۴۷}

۳. تمهید الأصول، ابو جعفر محمد بن الحسن مشهور به «شیخ طوسی» (۳۸۵ - ۴۶۰ق) انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، دانشگاه تهران، تصحیح عبدالحسین مشکوه‌الدینی (۱۳۶۲ش).

وی در بخش سوم از فصل دوم کتاب برای حصول بداء چهار شرط را لازم دانسته‌اند: ۱. باید کاری که به آن امر شده همان باشد که از آن نهی شده است ۲. وحدت هدف باشد، یعنی هر دو برای به دست آوردن یک چیز باشد ۳. وحدت زمان، یعنی انجام و ترک آن کار در یک زمان باشد ۴. وحدت فرمان بر، یعنی امر و نهی برای یک نفر باشد.^{۴۸}

۴. الغیبة، ابو جعفر محمد بن الحسن مشهور به «شیخ طوسی» یا «شیخ الطائفة» (۳۸۵ - ۴۶۰ق) تحقیق عباد الله طهرانی، مؤسسه معارف اسلامی (۱۴۱۱ق).

وی در این کتاب بداء را به دو معنی دانسته‌اند یا به معنای نسخ در آنچه در آن نسخ جایز است یا به معنای دگرگونی شروط در جایی که خبر از مشروط از طریق کائنات است. پس اگر بخشی از افعال الهی بر خلاف گمان ما ظاهر شوند یا اینکه ما قسمتی از شرایط تحقق افعال الهی را ندانیم مشکلی نیست.^{۴۹}

۴۴. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۳.

۴۵. توحید الإمامية، ص ۳۴۹ - ۴۰۳.

۴۶. تفسیر القمّی، ج ۱، ص ۳۸.

۴۷. الشافی فی الإمامة، ج ۱، ص ۸۱ - ۸۷.

۴۸. تمهید الأصول، فصل دوم، ص ۷۱۰.

۴۹. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۶۳ - ۲۶۵.

۱۰. إحقاق الحق وإزهاق الباطل، نورالله بن شریف ال‌دین التستری (۹۵۶ - ۱۰۱۹ق)، با حواشی آیت الله مرعشی، قم مکتبه اسلامیة (۱۳۳۶ق).

به نظر ایشان بداء امر به شی واحد در وقت واحد بوجه واحد است و نهی از آن در همان وقت بر همان وجه.^{۵۴}

۱۱. الحاشیة علی أصول الكافي، میرزا رفیع ال‌دین محمد بن حیدر النائینی معروف به ملا رفیعا (۹۹۹ - ۱۰۸۲ق)، قم، انتشارات دار الحدیث، تحقیق محمد حسین درایتی (۱۳۸۲ش).

وی شرح اصول کافی را شروع کرده، ولی موفق به تکمیل آن نشده‌اند و ضمن نقل احادیث بداء کافی فرموده‌اند: بداء همان تغییر و تحویلی است که در کتاب محو و اثبات ایجاد می‌شود و احادیث اثبات بداء نزد شیعه در واقع ردیه‌ای است بر عقیده یهود و پیروان آنها که می‌گویند: ان الله قد فرغ من الأمر.^{۵۵}

۱۲. رسالة البداء، احمد بن محمد بن یوسف بن صالح بحرانی (۱۱۰۰ یا ۱۱۰۲ق) از شاگردان علامه مجلسی و از مشایخ روایت شیخ سلیمان ماحوزی.^{۵۶}

۱۳. رسالة البداء، مولی محمد باقر بن مولی محمد تقی مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ق).

نسخ خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی، مجموعه شماره ۱۲۲۳، به خط محمد طاهر بن محمد تقی شاه میرزایی، تاریخ کتابت ۱۱۸۳ق. از این رساله تعداد ۵۳ نسخه شناسایی شده است.^{۵۷}

این رساله دومین رساله از مجموعه هفت رساله فارسی چاپ شده مرحوم مجلسی است که به موضوع بداء پرداخته است.

۱۴. نور البراهین، السید نعمة الله الجزائری (۱۱۱۲ق) قم، انتشارات جامعه مدرسین (۱۴۳۰ق).

وی به معنی لغوی بداء اشاره کرده و اشکالات اهل تسنن را به مسئله بداء با دیدگاه معنی لغوی طرح نموده و آن‌گاه به جواب همه اشکالات پرداخته‌اند. در همین زمینه اقوال مرحوم شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی و سید مرتضی را به تفصیل بیان نموده‌اند.^{۵۸}

۱۵. ریاض السالکین فی شرح صحیفة السجادية، السید علی خان المدنی الشیرازی (۱۰۵۲ - ۱۱۱۸ق) قم، مؤسسه النشر الإسلامی (۱۴۰۹ق).

۵. الكافي فی الفقه، تقی بن نجم، ابوالصلاح الحلبي (ق ۵) تحقیق آیه الله استادی، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام (۱۴۰۳ق).

ایشان یهود را به سه فرقه تقسیم بندی نموده‌اند. فرقه‌ای که نبوت مدعی نسخ را قبول ندارند به گمان اینکه نسخ منجر به پذیرفتن بداء می‌شود و فرقه‌ای که نسخ را عقلاً قبول ندارند، اما مانع آن می‌شوند، به گمان اینکه سمع به خطای آن است و فرقه‌ای که نسخ را عقلاً و سمعاً قبول دارند، اما آن را منع می‌کنند، به ادعای اینکه دلیلی بر نسخ شریعت حضرت موسی (علیه السلام) نداریم.^{۵۹}

۶. تلخیص المحصل، محمد بن محمد طوسی معروف به «خواجه نصیرال‌دین طوسی» (۵۷۹ - ۶۵۳ق) مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران (۱۳۵۹ش).

ایشان در جواب فخر رازی آورده: خبر بداء، خبر واحد است و درباره اسماعیل پسر امام صادق (علیه السلام) موجب علم و عمل بدان نیست. گذشته از آن تقیه موارد خاصی دارد و همه جا جایز نیست و در واقع ایشان قائل است که عقیده به بداء در شیعه جایگاهی ندارد.^{۶۰}

۷. النجاة فی القيامة فی تحقیق الإمامة، علی بن میثم البحرانی (۶۳۶ - ۶۸۹ق)، قم، مجمع الفکر الإسلامی (۱۳۷۵ش).

۸. الاحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی (ق ۶)، قم، انتشارات الشریف الرضی (۱۴۱۳ق).

ایشان قائل هستند که خداوند تبارک و تعالی همه کائنات را در دو لوح محفوظ و لوح محو و اثبات قرار داده است و آنچه در لوح محفوظ است هیچ تغییری و تبدل ندارد، ولی آنچه در لوح محو و اثبات است قابل تغییر است و بداء از مسائلی است که در لوح محفوظ قرار دارد و بداء به معنی ظهور الشی بعد خفائه هست؛ یعنی ظهور شیء از طرف خداوند برای هر کسی که بخواهد بعد از خفاء آن.^{۶۱}

۹. الصراط المستقیم، الشیخ زین ال‌دین ابی محمد علی بن یونس نباطی بیاضی (۷۹۱ - ۸۷۷ق)، تحقیق محمد باقر البهبودی، مکتبه مرتضویه (۱۳۸۴ش).

ایشان بداء را به دو معنی تصور فرموده‌اند: ۱. بداء ندامت که برای خداوند محال است؛ چون لازمه آن ظهور الشیء بعد خفائه هست. ۲. بداء خلق که از آن به تعبیر «حسب مصالح» یاد می‌کنند و این نوع بداء را برای خداوند جایز می‌دانند. در این زمینه به روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) استناد کرده‌اند.^{۶۲}

۵۴. إحقاق الحق، ص ۳۳۰.

۵۵. حاشیة برأصول کافي، ملا رفیعا، ص ۴۷۵ - ۴۸۲.

۵۶. مرآة الکتب، ص ۳۲۷؛ تلاذمة المجلسی، ص ۱۷؛ الذریعة، ج ۵، ص ۵۴، شماره ۱۳۵.

۵۷. فهرستواره دست نوشته‌های ایران - دنا - ج ۲، ص ۴۳۹ - ۴۴۰.

۵۸. نور البراهین، ج ۲، ص ۲۲۱ - ۴۹۱.

۵۹. الكافي فی الفقه، ص ۸۰ إلى ۱۲۰.

۶۰. نشر طوبی، ص ۱۲.

۶۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۷۹.

۶۲. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۴۹ - ۵۰ و ج ۲، ص ۲۷۰ - ۲۷۳.

- ایشان با اشاره به روایت امام باقر (علیه السلام): «إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُورًا مَوْقُوفَةً عِنْدَ اللَّهِ...» فرموده‌اند: معنی بداء نزد شیعه همین است که بداء در علم مخزون عند الله است لا يعلمه إلا الله.^{۵۹}
۱۶. أعلام الهدى فى تحقيق البداء، سليمان بن عبد الله بحراني ماحوزى (۱۱۲۱ق).
- نسخ خطی کتابخانه ملامحمد علی خوانساری.^{۶۰}
۱۷. رساله البداء، محمد اشرف بن عبدالحسیب حسینی علوی (۱۱۴۵ق).
- نسخ خطی دانشگاه تهران، شماره ۵۸۹۴/۷.^{۶۱}
۱۸. رساله البداء، الدرّة البيضاء، السید صدرالدین محمد بن محمد باقر رضوی قمی (۱۱۰۰ - ۱۱۶۵ق).
- نسخ خطی کتابخانه ملی تهران، شماره ۱۵۴۸/۴؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۲۰/۱؛ کتابخانه مروی تهران، شماره ۷۲۳/۳؛ کتابخانه قاضی طباطبائی، تبریز، بدون شماره.^{۶۲}
۱۹. الحدائق الناضرة، المحدث البحرانی (۱۱۰۷ - ۱۱۸۶ق) قم، انتشارات باقر العلوم (۱۴۰۷ق).
- مرحوم بحرانی با استناد به روایات باب بداء می‌فرماید: در علم مخزون خداوند هم بداء هست و هم مشیة به تقدیم و تأخیر و زیاده و نقصان، اما آنچه را ملائکه و پیامبران از آن اطلاع پیدا می‌کنند علم محتوم است که در آن بداء راه ندارد.^{۶۳}
۲۰. الحاشیة علی أصول الكافي، السید بدرالدین بن احمد الحسینی العاملی (ق ۱۱)، قم، انتشارات دار الحدیث، تحقیق علی فاضلی (۱۳۸۳ش).
- وی احادیث بداء کافی را نقل کرده و سپس شرح و توضیح داده‌اند.^{۶۴}
۲۱. نور البراهین، السید هاشم بن سلیمان البحرانی (ق ۱۱) تصحیح عزت‌الله مولائی، مؤسسه معارف اسلامی (۱۴۱۶ق).
- وی بداء به معنی ظهور بعد الخفاء را مخالف عقیده شیعه و اخبار متواتره از معصومین (علیهم السلام) می‌دانند.^{۶۵}
۲۲. رسالة البداء، غلامرضا بن عبدالعظیم کاشانی (ق ۱۲).
- نسخ خطی کتابخانه آستان قدس، شماره ۱۳۵۵۹ و شماره ۶۵۰۶؛ کتابخانه ملی تهران، شماره ۱۴۳۹/۱.^{۶۶}
۲۳. رساله بداء، محمد شفیع بن فرج گیلانی (ق ۱۲).
- نسخ خطی کتابخانه ملک تهران، شماره ۶۰۷۱/۲؛ کتابخانه آیت الله گلپایگانی، قم، شماره ۱۵۹۸ - ۹/۱۴۸؛ کتابخانه مجلس تهران، شماره ۱۰۰۲۸/۱. سال تألیف رساله (۱۱۱۶ق) است. رساله در هفت فصل و یک خاتمه تحریر گردیده.
- از این رساله فارسی تعداد دوازده نسخه شناسایی شده است.^{۶۷}
۲۴. تفسیر کنزالدقائق، المیرزا محمد بن محمدرضا المشهدی (ق ۱۲) تهران، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، تحقیق حسین درگاهی (۱۳۶۶ش).
- ایشان می‌فرمایند: اگر بداء به معنی تبدل رأی باشد، یعنی برای نظر و رأی اول مفسده‌ای پیش آمده رأی مجددی آمده. این معنی برای خداوند راه ندارد و منتفی است.^{۶۸}
۲۵. رساله البداء، محمد باقر بن محمد سلیم قره‌جه داغی (۱۳۰۱ق).
- نسخ خطی کتابخانه آستان قدس، شماره ۱۲۸۲۴/۱. این رساله به تاریخ ۱۷ ربیع الأول ۱۲۸۰ به خط مؤلف تحریر گردیده است.^{۶۹}
۲۶. رساله بداء، نوروز علی بن محمد باقر بسطامی (۱۲۲۷ - ۱۳۰۹ق).
- نسخ خطی کتابخانه نواب، مشهد، شماره ۱۰۲/۱.
- این نسخه به خط مؤلف است.^{۷۰}
۲۷. ابداء البداء فی حقیقة القدر والقضاء و تحقیق مسألة البداء، میرزا محمود بن علی اصغر طباطبائی تبریزی (۱۳۱۰ق).
- این کتاب به سال ۱۳۰۲ق به چاپ رسیده است.^{۷۱}
۲۸. طرائف المقال، السید علی اصغر البروجردی (۱۳۱۳ق)، تحقیق السید مهدی الرجائی (۱۴۱۰ق)، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (۱۴۱۰ق).
- به نظر ایشان بداء پذیرفته شده در روایات به معنی نهی از شیء بعد از

۵۹. ریاض السالکین، ج ۱، ص ۸۸ - ۸۹ و ج ۷، ص ۴۴۰.

۶۰. إيضاح المكنون، ج ۱، ص ۱۰۴؛ هدیة العارفین، ج ۱، ص ۴۰۵؛ الذریعة، ج ۳، ص ۵۵.

۶۱. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۰ - ۴۴۱.

۶۲. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۱.

۶۳. الحدائق الناضرة، ج ۱۳، ص ۴۵۰ - ۴۵۱.

۶۴. حاشیة بر اصول کافي، حسینی عاملی، ص ۱۷۶.

۶۵. مدينة المعارج، ج ۷، ص ۵۲۲.

وقوع امر به آن است، البته قبل از حلول وقت عمل یا بالعکس و معنی این کار ندامت نیست.^{۷۲}

۲۹. نفس الرحمان فی فضائل سلمان، میرزا حسین النوری الطبرسی (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ق)، قم، جوانان موفق (۱۳۹۲ش).

ایشان می‌فرمایند: خداوند دل‌وح خلق کرده که همه کائنات در آن آمده است، اول: لوح محفوظ که مطابق علم خداوند است و در آن تبدل و تغییر نیست. دوم: لوح محو و اثبات است و این قسم قابل تغییر و تبدل است به حسب آنچه حکمت الهی اقتضا کند، البته قبل از وقوع آن در خارج.^{۷۳}

۳۰. الزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب، الشيخ علی الیزدی الحائری (۱۳۲۳ق)، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات (۱۴۲۲ق).

به نظرایشان وقوع بداء در بعضی مقدرات می‌باشد و دلیل آن هم روایات رسیده از طریق ائمه معصومین (علیهم السلام) هست که در شب‌های قدر امر مردم مقدر می‌شود.^{۷۴}

۳۱. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، السید محمد تقی موسوی اصفهانی (۱۳۴۸ق)، قم، مؤسسة الإمام المهدی (۱۳۶۳ش).

وی معتقد است بداء یعنی اینکه خداوند چیزی را مقدر کند و پس از آن خلافش را مقدر کند و این امری است ممکن، هم عقلاً و هم نقلاً. در این زمینه به روایات کافی و توحید و بعضی اقوال استناد کرده‌اند.^{۷۵}

۳۲. رساله بداء، عبدالله بن محمد بهبهانی (۱۳۲۵ق).

نسخ خطی، تهران، دائرة المعارف، شماره ۴۴۹.

این رساله به خط مؤلف، به سال ۱۳۱۵ تحریر گردیده است.^{۷۶}

۳۳. رساله فی البداء، میرزا شهاب‌الدین بن فخرالدین بن مولی محمد بن احمد النراقی الکاشانی (۱۳۵۰ق). کتابت رساله در سال ۱۳۴۰ق بوده است.^{۷۷}

۳۴. خلاصة علم الکلام، الشيخ عبدالهادی الفضلی (۱۳۱۴ - ۱۳۵۴ق) بیروت، دار المؤرخ العربی (۱۴۱۴ق).

ایشان می‌فرمایند: بداء مورد اعتقاد شیعه به معنی اظهار و ابداء است؛ زیرا خداوند علم خاص خودش را که همان قضاء محتوم است به

هنگام تحقق شرائط ظاهر می‌کند.^{۷۸}

۳۵. نور الأفهام فی علم الکلام، السید حسن الحسینی اللواسانی (۱۲۷۰ - ۱۳۵۹ق)، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (علیهم السلام) (۱۳۸۸ش).

به نظرایشان بداء به معنی اظهار ما هوالمکون فی علمه تعالی بعد اخفائه مدّة لمصالح است.^{۷۹}

۳۶. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، العلامة الشيخ محسن، معروف به «آقا بزرگ الطهرانی» (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ق) بیروت، دار الأضواء.

وی در جلد سوم این مجموعه ارزشمند فرموده‌اند: بدائی که شیعه امامیه معتقد است و هر مسلمانی باید اعتقاد داشته باشد مقابل عقیده یهود است که آنها می‌گفتند: یدالله مغلوله: دست خداوند بسته است. به نظر شیعه بداء احداث مالم یکن و اظهار آنچه در امور تکوینی مخفی است می‌باشد.^{۸۰}

۳۷. رساله البداء، محمد بن حسینعلی خوئی (ق ۱۳).

نسخ خطی کتابخانه آستان قدس، شماره ۹۷۴۲، تاریخ نسخ ۱۲۶۴،^{۸۱} این رساله تک نسخه است.

۳۸. رساله البداء، محمد رضا بن رشید نائینی (ق ۱۳).

نسخ خطی کتابخانه مجلس تهران، شماره ۱۰۳۲/۳۲، این رساله به خط مؤلف و تک نسخه است.

۳۹. عقائد الإمامیة، الشيخ محمد رضا المظفر (ق ۱۳)، قم، دار التبلیغ الإسلامی، با مقدمه محمد مهدی آصفی.

به نظرایشان بداء مورد قبول امامیه فعل الشیء ثم محوه هست. البته این کار چون از صفات مخلوقین است، بعضی پنداشته‌اند معنی این حرف علم بعد از جهل است و خداوند منزّه است از این صفات، اما باید گفت: بداء همانند سزناسخ و منسوخ است در قرآن، مانند حکمت آیات تحریم خمر و حرمت تدریجی آن.^{۸۲}

۴۰. رساله البداء، محمد بن حسینعلی خوئی (ق ۱۳).

نسخ خطی مشهد، آستان قدس، شماره ۹۷۴۲، تاریخ نسخ ۱۲۶۴،^{۸۳}

۷۸. خلاصة علم الکلام، ص ۱۰۳ - ۱۱۷.

۷۹. نور الأفهام فی علم الکلام، ج ۲، ص ۱۰۱ - ۱۰۲ و ص ۳۲۷.

۸۰. الذریعة، آقا بزرگ، ج ۳، ص ۵۲.

۸۱. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۱.

۸۲. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۱.

۸۳. عقائد الإمامیة، ص ۲۴ - ۴۶.

۸۴. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۱.

۷۲. طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، ج ۲، ص ۲۳۳ - ۲۳۴ و ۵۷۳.

۷۳. نفس الرحمان فی فضائل سلمان، ص ۵۶۵.

۷۴. الزام الناصب، ج ۱، ص ۸۶.

۷۵. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۱، ص ۳۵۴ - ۳۵۷.

۷۶. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۱.

۷۷. الذریعة، ج ۲، ص ۸۷، شماره ۴۱۹.

۴۱. رساله البداء، محمدرضا بن رشید نائینی (ق ۱۳). نسخ خطی، تهران، مجلس شورا، شماره ۱۰۳۲/۳۲ به خط مؤلف.^{۸۵}
۴۲. الأربعین فی احادیث البداء، السید مهدی بن محمد جعفر موسوی تنکابنی (ق ۱۳). نسخ خطی، قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۶، ص ۷۳، شماره ۲۰۵۲.
- ایشان می‌فرمایند: بداء نسبت به انسان‌ها علم پیدا کردن بعد از جهل است، آن هم به دلیل مصلحتی، اما نسبت به خداوند اظهار ما عنده مما كان خفياً لنا قبل هذا الآن می‌باشد.^{۸۶}
۴۳. الشیعة فی المیزان، الشیخ محمد جواد مغنیه (۱۳۲۲ - ۱۴۰۰ ق)، قم، دارالکتاب الإسلامی (۱۴۲۷ ق).
- ایشان می‌فرمایند: بداء مورد قبول و اعتقاد شیعه، بلکه همه مسلمین، یعنی خداوند ارزاق و عمر انسان‌ها را کم و زیاد می‌کند، به واسطه دعا و اعمال خیر مثلاً صدقات و ادعیه باعث زیاد شدن رزق می‌شود و به واسطه اعمال زشت عمر انسان‌ها کم می‌شود.^{۸۷}
۴۴. دراسات فی الحدیث والمحدثین، السید هاشم معروف الحسنی (۱۹۱۹ - ۱۹۸۳ م). بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- ایشان می‌فرمایند: بدائی که شیعه معتقد است با اصول اسلام هیچ‌گونه منافاتی ندارد و کسانی که به شیعه طعن می‌زنند، مخصوصاً غالیان آنها که ادعا می‌کنند تفکر بداء از اختراعات مختار بن عبیده ثقفی است و از ایشان به شیعه منتقل شده، بدون سند می‌گویند و حال آنکه مسئله بداء در روایات اهل سنت مثل صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۹ به نقل از ابی هریره از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار به چشم می‌خورد.^{۸۸}
۴۵. المیزان فی تفسیر القرآن، السید محمد حسین الطباطبائی (ق ۱۴)، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات (۱۳۹۳ ق).
- ایشان می‌فرمایند: روایات بداء زیاد و در حد مستفیض می‌باشد. پس به قول افرادی که قائلند روایات بداء خبر واحد است اعتنا نمی‌شود و آن‌گاه بداء مورد قبول شیعه را این‌گونه بیان می‌کنند: بداء به معنی تغییر علم خداوند فی ذاته نیست، بلکه بداء یعنی ظهور امری از طرف خداوند در مرحله دوم بعد از آنکه ظاهراً خلاف اولی است. این در واقع محو و اثبات ثانی است و خداوند به هر دو عالم است.^{۸۹}
۴۶. علوم القرآن، السید محمد باقر الحکیم (۱۹۳۹ - ۲۰۰۳ م)، قم، نشر
- مجمع الفکر الإسلامی (۱۴۱۷ ق).
- ایشان به تفاوت بین نسخ و بداء اشاره و عقیده شیعه نسبت به بداء را بیان می‌کنند.^{۹۰}
۴۷. شرح اعتقادات صدوق، الشیخ حبیب الله بن علی مدد الشریف الکاشانی (ق ۱۴). نسخ خطی، قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۳، ص ۱۰۳، شماره ۹۰۲، به خط مؤلف، تاریخ تألیف (۱۳۷۰ ق).^{۹۱}
۴۸. رساله بداء، سید حسین بن سید محمدرضا (ق ۱۴).
- نسخ خطی کتابخانه سریزدی، یزد، شماره ۴۲/۴ به خط احمد بن مهدی یزدی کتابت شده است.^{۹۲}
۴۹. اعیان الشیعة، السید محسن الامین (۱۸۶۵ - ۱۹۵۲ م)، تهران، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی (۱۴۱۶ ق).
- ایشان می‌فرمایند: بدائی که شیعه معتقد است اظهار اخفاء است، نه ظهور بعد از خفاء و این در واقع نسخ در تکوین است، همانند نسخ در تشریح که همه مسلمان‌ها به آن قائل هستند.^{۹۳}
۵۰. أضواء علی عقائد الشیعة، الشیخ جعفر السبحانی (معاصر)، تهران، نشر مشعر (۱۳۷۹ ش).
- ایشان مسئله بداء را از عقاید ثابتة شیعه دانسته و بداء و نسخ را از دو صنف می‌دانند. بداء در تشریح است، ولی نسخ در تکوین.^{۹۴}
۵۱. الإیمان والکفر، الشیخ جعفر السبحانی (معاصر)، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام (۱۴۱۶ ق).
- در این کتاب ایشان فرموده‌اند: نزاع بین شیعه و سنی در مسئله بداء لفظی است. آنها بداء را تفسیر می‌کنند به ظهور بعد ما خفی الله سبحانه، ولی این تفسیر صحیح نیست. خداوند آنچه را که برای مردم قبلاً مخفی بوده ظاهر می‌کند. بداء تغییر مسیر است با دعا و اعمال صالحه مثل صدقه و استغفار و صلّه رحم.^{۹۵}
۵۲. العقيدة الإسلامية علی ضوء مدرسة اهل البيت عليهم السلام، الشیخ جعفر السبحانی (معاصر)، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام (۱۳۸۶ ش).
- در این کتاب فرموده‌اند: خداوند دو نوع تقدیر برای انسان قرار داده: ۱.

۸۵. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۱.
۸۶. فهرست نسخه‌های خطی اشکوری، ج ۶، ص ۷۳.
۸۷. الشیعة فی المیزان، ص ۵۳ - ۵۵.
۸۸. دراسات فی الحدیث والمحدثین، ص ۲۲۰ - ۲۲۵.
۸۹. المیزان، ج ۱۱، ص ۳۸۱ - ۳۸۲ و ج ۸، ص ۹۹ و ج ۳، ص ۱۶.
۹۰. علوم القرآن، ص ۲۰۰ - ۲۰۳.
۹۱. فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء، اشکوری، ج ۳، ص ۱۰۳، شماره ۹۰۲.
۹۲. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۱.
۹۳. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۴۲، ج ۲، ص ۷۱.
۹۴. أضواء علی عقائد الشیعة الإمامیة، ص ۴۲۷ - ۴۵۶.
۹۵. الإیمان والکفر، ص ۷۵.

معنای بداء را به اختصار بیان و پاسخ برخی اشکالات آن را بیان کرده‌اند.^{۱۱}

۵۸. بحث حول البداء، سید عبدالله موسوی بحرانی، مؤسسه اعلی، بیروت، (۱۹۸۷ م).^{۱۲}

۵۹. رساله بداء و محو و اثبات (فارسی) مؤلف ناشناخته.

نسخ خطی کتابخانه ملک، تهران، شماره ۱۵۹۷/۵، نسخ قرن ۱۲، ۱۳

تقدیر محتوم و قطعی که قابل تغییر و تبدیل نیست. ۲. تقدیر معلق و مشروط که با تغییر شرایط آنها نیز تغییر می‌کند و بداء از نوع دوم است.^{۹۶}

۵۳. بداية المعارف الإلهية في شرح عقائد الإمامية، السيد محسن الخرازی (معاصر)، قم، انتشارات اسلامی (۱۳۶۵ ش).

به نظر ایشان بداء برای خداوند نه تنها مستلزم جهل در مرتبه ذات اقدس الهی نمی‌شود، بلکه نشان‌دهنده کمال قدرت در مقام عمل است؛ زیرا تغییر و تبدیل مقتضای عادی حکایت از تمامیت قدرت خداوند و استقلال در فاعلیت او است.^{۹۷}

۵۴. کذبوا علی الشیعة، السيد محمد الرضی الرضوی (معاصر)، تهران، مدرسه چهل ستون (۱۴۰۳ ق).

ایشان می‌فرمایند: به شیعه نسبت افترا می‌دهند و می‌گویند آنها با فرضیه بداء خدا را جاهل تصور می‌کنند، حال آنکه این یک افترا بیش نیست، هیچ یک از علما قدیم و جدید ما چنین دیدگاهی ندارند، بلکه شیعه قائل است خداوند کل یوم هوفی شأن و یحیی و یمیت و یفعل ما یشاء و این اعتقادی است متعالی بر خلاف یهود که می‌گویند: ید الله مغلولة.^{۹۸}

۵۵. الإمامة و أهل البيت، محمد بیومی مهران (معاصر)، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية (۱۴۱۵ ق).

ایشان می‌فرمایند: بداء مورد نظر شیعه این است که خداوند در ارزاق و اعمار بندگان کم و زیاد می‌کند به واسطه اعمال آنها، چنان‌که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: خداوند قضاء را بر نمی‌دارد، مگر با دعا و عمر را زیاد نمی‌کند مگر با نیکی.^{۹۹}

۵۶. النسخ و البداء فی الكتاب و السنة، محمد حسین حاج عاملی (معاصر)، بیروت، دار الهدی، (۱۹۹۷ م).

ایشان همانند بعضی دیگر از بزرگان شیعه حوزه وقوع نسخ را در احکام شرعی - تشریعیات - و حوزه بداء را در - تکوینیات - دانسته‌اند و هر دو را ناشی از حکمت و مصلحت خداوند معرفی کرده‌اند.^{۱۰۰}

۵۷. رساله بداء (منظوم)، مؤلف ناشناخته.

نسخ خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، قم، شماره ۱۷۳۲/۲ و شماره ۱۷۸۸/۴.

۹۶. العقيدة الإسلامية علی ضوء مدرسة أهل البيت (علیهم السلام)، ص ۲۸۶ - ۲۹۱.

۹۷. بداية المعارف الإلهية، ج ۱، ص ۱۹۰ - ۲۰۱.

۹۸. کذبوا علی الشیعة، ص ۷۱ - ۷۴.

۹۹. الإمامة و أهل البيت (علیهم السلام)، ج ۱، ص ۲۶۳ - ۲۶۵.

۱۰۰. کتاب مرجع، ص ۲۰۰.

۱۰۱. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۲.

۱۰۲. بحث حول البداء، ص ۲۱: کتاب ماه دین، زادهوش، زادهوش؛ شماره ۶۸ و ۶۹، سال ۱۳۸۲، ص ۷۶.

۱۰۳. فهرست دنا، ج ۲، ص ۴۴۲.